

از دیدگاه قرآن و عترت غنا و موسیقی

حضرت آیه الله حیدر تربتی کربلائی
حضرت آیه الله حیدر تربتی کربلائی

غنا و موسیقی

از دیدگاه

قرآن و عترت

حضرت آیه الله حیدر تربتی کربلائی

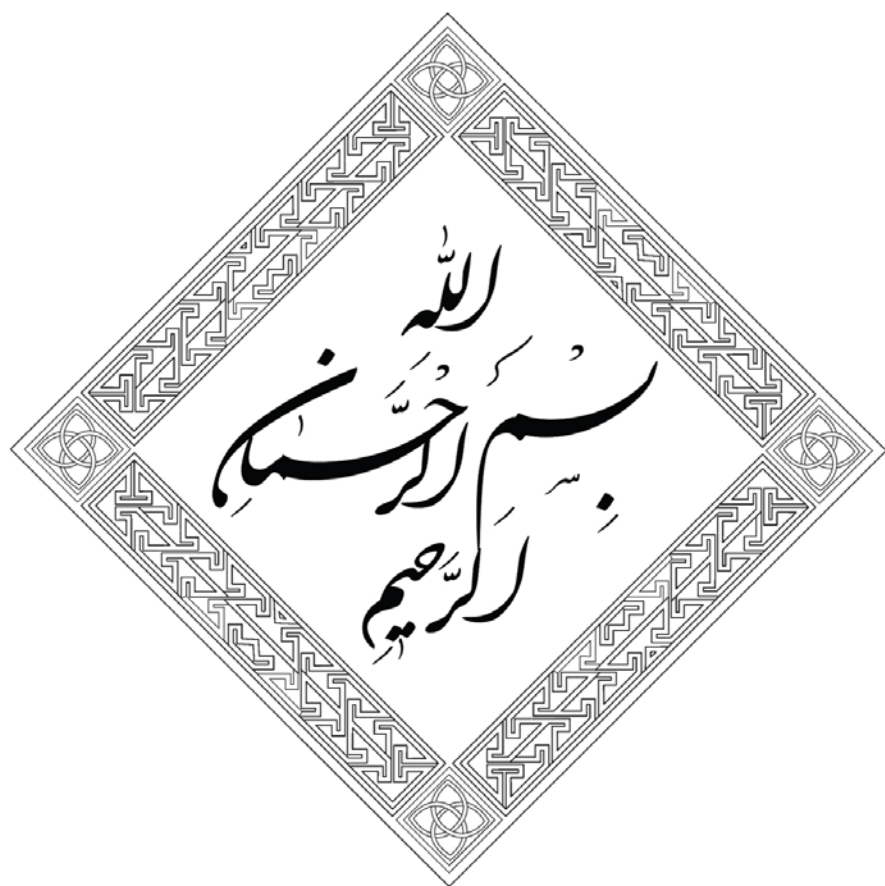
سرشناسه: غنا و موسیقی از دیدگاه قرآن و عترت
نام پدیدآورنده: حضرت آیه الله حیدر تربتی کربلائی
تایپ و ویرایش: محدّثه تربتی
طرح جلد: محدّثه تربتی

رایانامه: Zabihe.ale.mohammad@gmail.com

وبگاه: Torbatikarbalacee.loxblog.com

شماره تماس: ۰۹۱۳۷۰۰۴۶۱

تمامی حقوق چاپ و نشر این اثر برای مؤلف محفوظ است.



فهرست مطالب

مقدمات

۷

۱۲ آنان که امر هدایت‌گری بر عهده دارند

۱۳ و هرگز نیاز ندارد به روز شود ...

۱۵ در این واویلاي گناه چه کنیم؟

۱۷ غنا و موسیقی از دیدگاه قرآن کریم

آیه یکم:

۱۸ آیه دوم:

آیه سوم:

۱۹ آیه چهارم:

آیه پنجم:

۲۰ آیه ششم:

۲۲ آیه هفتم:

۲۳ آیه هشتم:

۲۵ آیه نهم:

۲۶ آیه دهم:

۲۹ غنا و موسیقی از دیدگاه اهل بیت اطهار علیهم السّلام

نهی الهی

نهی نبوی صلی الله علیه وآله

مأموریتی الهی

۳۰ نردبان فحشاء

مانند شکوفه؟! ...

۳۱ آشیانه دو رویی

تهی دستی

پست ترین مخلوق

حرام محض

۳۲ آموزش کفر ...

پای کوبی شیطان ...

۳۳ نفرین کبوتران

ناامن و بی نور

غضب الهی

حشرنوازنده و ...

۳۴ نشانه آخر الزمان

۳۷ **رساله دیگری درباره موسیقی و نوازندگی**

۳۸ حکم غنا و موسیقی چیست؟

۳۹ حکمت تحریم موسیقی چیست؟

۴۰ **پی نوشت ها**

۴۹ **کتاب نامه**

مقدمات

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، وأفضل الصلوات والتحيات على محمد وآله الطيبين الطاهرين، ولعنة الله على أعدائهم وظالمهم، وغاصبي حقوقهم ومخالفهم، ومنكري فضائلهم ومناقبهم، ومدّعي شئونهم ومراتبهم، والراضين بذلك من الأولين والآخرين.

الله تعالى می فرماید:

«قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنِئَةً وَفُرَادَى...»!

بگو (ای پیامبر!) همانا شما را به يك چیز پند می دهم، این که برای الله دوتا دوتا و تک تک بپاخیزید ...

الله تعالى انسان را خلق نمود و خود آگاه است که طبیعت واقعی انسان به چه چیز گرایش دارد و پاسخ صحیح به این گرایش ها کدام است. و این از لطف او بود که پاسخ به این نیازها را در قالبی به نام دین نهاد تا بشربداند، آنچه را باید بداند.

آنچه با نام ارزش های معنوی تلقی می شود، فقط یک گفتار نیست، سیره ای است که در کلام خلاصه شده و با جاری شدن آن در جامعه پرتوهای هدایت تابش می گیرند و راه را روشن می کنند. راهی که برای پیمودن آن آمده ایم. راهی که انتهای آن مردی است از تبار نور، مردی

راست قامت و مهربان، که همه ما روزی باید پاسخگوی او باشیم.

روزی باید ببینیم چطور جواب محبت‌های او را داده و چه به درگاهش می‌بریم.^۲

دانستن این موضوع که نافرمانی از آنچه تحت عنوان وحی از آن یاد می‌شود، چه تبعات و آثاری را به دنبال دارد، بسیار مهم است. زیرا از این جاست که پی می‌بریم خداوند نیازی به من و ما ندارد و خود قادر مطلق است و اگر فرمان او را بر دیده نهم، رستگار خواهیم بود و چنانچه نافرمانی او را سرلوحه رفتار کنیم، خود و خانواده و جامعه خود را درگیر آثار زیانبار این نافرمانی کرده‌ایم. آنچه امروزه شاهد آن هستیم، چیزی جز ندانستن، رسیدگی نکردن یا لجبازی بدون علم، نیست؛ لجاجتی که به دنبال ناآگاهی از سیمای واقعی وحی به وجود آمده. و این من و ما هستیم که باید به آنان که نمی‌دانند، بگوییم تا بدانند و به آنان که گوشزد نمی‌کنند، بگوئیم تا آگاه باشند و به آنان که سیمای واقعی وحی را ندیده‌اند، نشان دهیم آنچه را که می‌توان دید و همه به هم کمک کنیم تا رنگ‌ها عوض شوند و سمت و سوها، یک جهت واحد بگیرند و به درستی که این جهت همان است که خداوند تعیین فرموده، همان که خداوند خود فرمود تبعیتش کنید تا رستگار شوید؛ راه مردی که گناهان من قلبش را به درد می‌آورد و اشک را از چشمانش جاری می‌سازد.

امام عزیزی که شاید هرگز او را ندیده باشیم ولی قلب‌هایمان را صاحب است.

امروز آنچه ما را از واقعیت دین دور می‌کند «توجیه گناه» و «تفسیر»هایی است که شیطان می‌پسندد، اما خدا آن را قصد ننموده، هوس‌های آلوده آن را زیبا می‌بینند، اما قلب امام عزیزمان را به درد می‌آورد.

شیطان هر زمان حربه‌ای جدید می‌سازد و هر روز به شکلی در می‌آید.

باید دانست که او از کار نمی‌نشیند و می‌خواهد آخرین تلاش خود را برای گمراه نمودن انسان، به کاربندد. دنیای او صحنه نمایشی است که امروزه با بیان لغات و بازی با الفاظ آن را اجرا می‌کند. و می‌بینیم در این زمان، که سخن از فکر روشن و روشنفکری است، از این راه به دل‌های پاک

جوانان نفوذ کرده و آنان را غافل می‌نماید و گمراه می‌کند و سپس برای این که آنان را از سرزنش‌های نفس لّوامه یا همان وجدان برهاند، گناهان را برایشان «توجیه» می‌کند ... و این جا است که دیگر تصوّرش را هم نمی‌توان کرد که جامعه به چه شکلی درخواهد آمد؟ آیا دیگر حتی می‌تواند لباس زیبای لفظ را که خود سرپوش گنااهش قرار داده، درآورد و زشتی گناه را ببیند و باور کند؟ دیگر حربه‌ای جدید به میدان آمده، که نام آن را «دلیل» می‌گذارد، در حالی که واقعیّت آن را نمی‌بیند و نمی‌داند «دلیل» را جایگزین «توجیه» کرده و مصمّم ادامه می‌دهد...، تا نا کجا آباد

روی سخن با همه ماست، همه ما، کسانی که خود را پیرو مکتب علوی می‌دانند، آنان که قرآن را در میان دست‌های خود می‌گیرند و تلاوت می‌کنند و می‌خواهند عمل کنند، اما ... شاید راه را گم کرده‌اند.

اصل مسلم این است که خداوند متعال، آفریدگار مهربان جهان، آنچه را پاک است و سودمند، حلال و آنچه را ناپاک است و برای حیات مادّی و معنوی بشر زیان‌بار، حرام نموده است. و این یکی از الطاف اوست. همچنان که در قرآن کریم فرموده است:

«وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ».

و خداوند برای ایشان آنچه را پاک باشد، حلال و آنچه را ناپاک باشد، حرام نمود.^۵

او پیامبران الهی و جانشینان آنان را برای بیان حلال و حرام فرستاد و به وسیله متابعت از فرمان ایشان، پاک را از ناپاک جدا می‌کند: «لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ»،^۶ و خدا با لطفی که در حق ما روا داشته، راه را به وسیله ایشان نمایان می‌سازد. قرآن را می‌فرستد تا هدایت باشد و اهل بیت اطهار علیهم السّلام را می‌فرستد تا معنای این هدایت را بیان کنند.

و ابلاغ را به پیامبر امر می‌فرماید تا کسی نگوید نمی‌دانستم یا نفهمیدم.^۷

و برای دانستن و فهمیدن تک تک ما، راهی گذاشته است، و آن را به لطف خود با چهارده

۱۰/ غنا و موسیقی از دیدگاه قرآن و عترت

خورشید و ماه و ستاره آذین بسته تا همه راه را ببینند و بخواهند تا هدایت شوند ...^۸. فضای نفس کشیدن ما باید پاک باشد تا بتوانیم نفس بکشیم، غذایی که می خوریم باید پاکیزه باشد تا با خوردن آن بیمار نشویم، برای استراحت و رفع خستگی نیاز به محیطی آرام برای تسکین روح داریم، برآستی! چرا راهی را نپیماییم که همانا همه خوردن و خوابیدن ها و نفس کشیدن ها را برای پیمودن آن خلق کرده اند؟!

ما آمده ایم تا بمانیم.^۹

از این روست آن جا که می بینیم گناهی رخ می دهد، گویا نفس کشیدن . که مایه و لازمه تداوم حیات ماست . برایمان عذاب آور است، و گویا احساسمان می گوید: سینه ام برای تحمل این عذاب تنگ می آید ... و می خواهیم هر طور شده خود را خلاص کنیم.

پس بیایید همه با هم تلاش کنیم تا خود، خانواده و اجتماعمان را پاک نگه داریم، بیایید به هم کمک کنیم تا بتوانیم فضای کشور اهل بیت اطهار علیهم السلام، ایران عزیز را از آلودگی های اخلاقی پاک کنیم و همان شویم که او می خواهد ...^{۱۰}

گناهای چون بی حجابی، ربا، شطرنج و موسیقی از جمله گناهای هستند که بستر انجام بسیاری از گناهان دیگر را فراهم می آورند و این از مکر شیطان است که زشتی را زیبا جلوه دهد تا آن که ربا می خورد، از ربا خوردن لذت ببرد و هوس آلوده آن که تربیت شده مکتب وحی نیست از نگاه حرام، لذت ببرد و آن که پا در عرصه شطرنج یا موسیقی می نهد، احساس کند لذت می برد، حال آن که شیطان زشتی را زیبا جلوه می دهد^{۱۱} و آن گاه که دست انسان از همه جا قطع شد، خود را به کناری کشیده، سخن از اختیار به میان می آورد.^{۱۲}

و انسان را از یاد خدا . که همانا تمام زیبایی است . غافل می سازد، تا آن جا که می تواند گناه کند و از خدا دور شود، تا به حدی برسد که دیگر نیاز به تلاش او نباشد، تا آن قدر نفس او را بروی مسلط سازد که بتواند رو در روی امام خویش بایستد ...

آنچه در این کتاب آمده است در واقع سخن خدا و پیامبر و اولیاء اوست، کلام پروردگار متعال

پیرامون موضوع حجاب. و در ذیل آیات، گزیده‌ای از احادیث پیرامون موضوع حجاب ذکر شده که محققین محترم می‌توانند جهت اطلاع بیشتر به مصادری که مختص به آن‌ها است، مراجعه نمایند. احادیث از معتبرترین کتاب‌های حدیثی و فقهی آورده شده است و برای ترجمه نمودن متن احادیث، اقدامی دقیق به انجام رسانده‌ایم.

برای آنان که کلام اهل بیت اطهار علیهم السلام قلب‌هایشان را صیقل داده و نورانی می‌کند، پیش از آغاز متن کتاب، سه قسمت آورده شده:

تا بدانیم خداوند، قرآن را نازل کرد و عترت را خلق نمود تا ما، راز سعادت ابدی را از آنان جویا شویم ... آنان که امرهدایتگری را به عهده دارند.

و بدانیم آنچه را برای ایمان برای پیمودن این مسیر توشه نهاند، تا ابد کفاف سعادت‌مان را می‌دهد و هرگز نیاز ندارد به روز شود، و یا اگر به روز نبود نتواند پاسخگو باشد، و هرگز نسخه‌ای از قرآن با ویرایش و اضافات، چاپ نخواهد شد و همان قرآنی که بر قلب پیامبرمان نازل گشت برای خوشبخت شدن، خوشبخت باقی ماندن، و عاقبت به خیر شدن همه ما کفایت می‌کند. هیچ نیازی بی پاسخ باقی نمانده که ما بخواهیم برای پاسخ‌گویی به آن دست به دامن بیگانه شویم و یا خود را اسیر هوس‌های آلوده دیگران کنیم یا به شیطان پناه ببریم، بلکه خداوند به ما می‌آموزد تا از شیطان به او پناه ببریم.

و بدانیم که در این واویله گناه چه کنیم تا نگاه آن مرد پاک از آن سلاله پاک را برای خود بخریم و چه کنیم تا پاک به درگاهش زانو زده، دست او را ببوسیم و از حمایتگران او باشیم. تا آن روز که آمد، اگر بودیم، از ما روی نگرداند و مبادا ما از او روی بگردانیم ... چرا که تنها غصه چنین کابوسی برای مردن تک تک ما کافیهست.

و این تنها تذکری است برای آنان که ایمان آورده اند:

«وَذَكِّرْ فَإِنَّ الذِّكْرَ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ»^{۱۳}

یادآور شو، بدرستی که تذکر مؤمنان را سود می بخشد.

و در پایان همه ما را بس است که تحفه ای به عنایت او به درگاهش ببریم و او لطف کند و یک شاخه گل لبخند را از روی لب هایش به ما هدیه دهد ... به خدا سوگند که دنیا و آخرت همه ما را کفایت می کند.

«اللَّهُمَّ... وَاعِنَا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ، وَاجْتِنَابِ عَنِ مَعْصِيَتِهِ، وَامْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ، وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ، وَرَحْمَتَهُ، وَدُعَاءَهُ، وَخَيْرَهُ، مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَفَوْزاً عِنْدَكَ...»^{۱۴}

لازم به ذکر است که صبیّه فاضله ام در تنظیم و تایپ و ویرایش و بازنویسی کتاب یاری ام نموده اند، و امیدوارم این عمل صالح وی مورد قبول ولیّ الله الأعظم صلوات الله علیه قرار گیرد.

آنان که امر هدایت گری بر عهده دارند

در بسیاری از کتب حدیث و تفسیر و تاریخ شیعیان اهل بیت علیهم السلام و پیروان خلفاء با سندهای بسیار و از حدّ تواتر گذشته و صحیح، به روایت اهل بیت علیهم السلام و دوستان ایشان و حتّی دشمنان آنان، حدیث گرانقدر ثقلین آمده است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله حداقل در پنج موقعیت و همچنین در آخرین لحظات زندگی خویش، در بستر بیماری، از آن سخن به میان آورده اند، و این جا به ذکر یک حدیث از آن ها بسنده می کنیم.

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ أَمْرَيْنِ، لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِي مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا؛ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِثْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، فَإِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ قَدْ عَهَدَ إِلَيَّ أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ كَهَاتَيْنِ - وَجَمَعَ بَيْنَ مُسَبِّحَتَيْهِ - وَ لَا أَقُولُ كَهَاتَيْنِ - وَجَمَعَ بَيْنَ الْمُسَبِّحَةِ وَالْوُسْطَى - فَتَسْبِقُ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى، فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا، لَا تَزَلُّوا، وَ لَا تَضِلُّوا، وَ لَا تَقْدَمُوهُمَا فَتَضِلُّوا...»^{۱۵}

بدرستی که دو چیز را برای شما به یادگار می‌گذارم، تا آن هنگام که به آن دور روی آورید (از ایشان پیروی نمایید)، هرگز گمراه نخواهید شد، کتاب خداوند و عترتم، اهل بیت من، زیرا خداوند مهربان و آگاه با من عهد نموده است آن دو تا زمانی که در کنار حوض کوثر بر من همچون این دو انگشتم (و پیامبران گاه میان دو انگشت کنار شست جمع فرمود) وارد شوند و نه همچون این دو انگشت (و میان انگشت اشاره و وسط جمع نمود) و هیچکدام از آن دو بردیگری پیشی نخواهد گرفت. پس به آن دو چنگ زنید (آنچه امر می‌فرمایند، پیروی نمایید) و دور و گمراه نشوید و بر آنان پیشی نگیرید که گمراه خواهید شد.

نتیجه: خداوند برای ما اهل بیتی را در کنار قرآن قرار داده که آنچه می‌گویند، و آنچه عمل می‌کنند و آنچه را تایید می‌نمایند، همان است که خداوند فرموده است. کلام مولایمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بسیار ظریف است: «دور و گمراه نشوید، و بر آنان پیشی نگیرید که گمراه خواهید شد»، ...

و هرگز نیاز ندارد به روز شود ...

امام محمد باقر علیه السلام فرمود: جدّم رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ! حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ حَرَامِي حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، أَلَا وَ قَدْ بَيَّنَّهُمَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي الْكِتَابِ، وَ بَيَّنَّهُمَا لَكُمْ فِي سُنَّتِي وَ سِيرَتِي، وَ بَيَّنَّهُمَا شُبُهَاتٌ مِنَ الشَّيْطَانِ، وَ بَدَعَ بَعْدِي، مَنْ تَرَكَهَا صَلَحَ لَهُ أَمْرُ دِينِهِ، وَ صَلَحَتْ لَهُ مُرُوتُهُ، وَ عَرَضُهُ، وَ مَنْ تَلَبَّسَ بِهَا وَقَعَ فِيهَا وَ اتَّبَعَهَا، كَانَ كَمَنْ رَعَى غَنَمَهُ قُرْبَ الْحِمَى، وَ مَنْ رَعَى مَاشِيَتَهُ قُرْبَ الْحِمَى، نَازَعَتْهُ نَفْسُهُ إِلَى أَنْ يَرَعَاها فِي الْحِمَى، أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمًى، أَلَا وَ إِنَّ حِمَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَحَارِمُهُ، فَتَوَقَّؤْا حِمَى اللَّهِ وَ مَحَارِمَهُ»^{۱۶}

ای مردم! حلال من (آنچه را به امر خداوند حلال نموده‌ام) تا روز قیامت حلال است، و حرام من (آنچه را به امر خداوند حرام نموده‌ام) تا روز قیامت حرام است، آگاه باشید که خداوند آن‌ها را در

قرآن بیان نموده، و من در سنت و سیره‌ام آن‌ها را بیان نموده‌ام. در میان آن‌ها شبهه‌هایی از شیطان، و بدعت‌هایی پس از من است، هرکس این شبهه‌ها و بدعت‌ها را ترک نماید، امر دین، مروت و آبروی خود را نیکو قرار داده است، و هرکس خود را به آن آلوده کند، و در پی بدعت‌ها برود، مانند کسی است که گوسفندانش را نزدیک مرز (حصار) چراگاه می‌چراند، نفس او و سوسه‌اش می‌کند که آن‌ها را در چراگاه پسِ مرز نیز بچراند. آگاه باشید سرزمین هرپادشاهی مرزی دارد، و مرز خداوند محرمات (ممنوعیت‌های) اوست، پس مراقب مرزهای فرمان‌ها و محرمات او باشید. و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«حَالِلٌ مُحَمَّدٌ حَلَالٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ أَبَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، لَا يَكُونُ غَيْرُهُ، وَ لَا يَجِيءُ غَيْرُهُ. قَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَحَدٌ ابْتَدَعَ بِدْعَةً إِلَّا تَرَكَ بِهَا سُنَّةٌ»^{۱۷}

آنچه حلال محمد است برای همیشه تا روز قیامت حلال است، و آنچه حرام محمد است برای همیشه تا روز قیامت حرام است، جز این نمی‌شود، و نباید بشود. و حضرت علی علیه السلام فرمودند: کسی نیست که بدعتی را بنیان نهد مگر این که سنتی را ترک کرده باشد.

و فرمود:

«مَا خَلَقَ اللَّهُ حَلَالًا وَ لَا حَرَامًا إِلَّا وَ لَهُ حَدٌّ كَحَدِّ الدَّوْرِ، وَ إِنَّ حَلَالَ مُحَمَّدٍ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، ...»^{۱۸}

خداوند متعال حلال و حرامی را نیافریده است مگر این که برای آن حدّ و مرزی مانند خانه‌ها قرار داده است، و به درستی که حلال محمد حلال است تا روز قیامت، و حرام محمد نیز حرام است تا روز قیامت، ...

نتیجه: احکام شرعی بخش عظیمی از دین کامل اسلام هستند که سعادت همیشگی انسان را تضمین نموده، و دستورات خداوند است که از نیازهای مادی و معنوی بشر آگاهی کامل دارد و

او را سعادتمند می‌خواهد.

احکام مطهر اسلام از استاندارد الهی برخوردار هستند و هیچ خطا و اشتباهی در آن‌ها نیست. زمان و دگرگونی‌های آن نباید هیچگونه تغییری در آن‌ها ایجاد کند، و نباید تابع زمان و مقتضیات آن باشند، تا بتواند سعادت ابدی را برای بشر به ارمغان آورد، در هر زمان و هر مکان.

در این وایلی گناه چه کنیم؟

حضرت خاتم الانبیاء محمد مصطفی صلی الله علیه وآله فرمودند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، فَمَنْ لَمْ يَفْعَلْ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ».^{۱۹}

آن زمان که بدعت‌ها در میان امت آشکار گردند، بر عالم واجب است علم خود را آشکار کند، هرکس به این وظیفه خود عمل ننماید؛ لعنت خداوند بر او باد.

و فرمودند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فِي أُمَّتِي، فَلْيُظْهِرِ الْعَالِمُ عِلْمَهُ، وَإِلَّا فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةُ وَالنَّاسُ أَجْمَعِينَ».^{۲۰}

آن زمان که بدعت‌ها در میان امت آشکار شود، بر عالم واجب است علم خود را آشکار سازد (بیان حقائق شرعی کند)، وگرنه لعنت خداوند و فرشتگان و همه مردم بر او باد.

رسول الله صلی الله علیه وآله فرمودند:

«كَيْفَ أَنْتُمْ إِذَا ظَهَرَ فِيكُمْ الْبِدْعُ، حَتَّى يَرُبُّوا فِيهَا الصَّغِيرُ، وَيَهْرُمُ الْكَبِيرُ، وَيَسْلَمَ عَلَيْهَا الْأَعَاجِمُ، وَإِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ قِيلَ سُنَّةٌ، وَإِذَا عَمِلَ بِالسُّنَّةِ قِيلَ بِدْعَةٌ؟!».^{۲۱}

حال شما چگونه است هنگامی که بدعت‌ها در میان شما آشکار گردد، تا آن که کودکان با آن بزرگ می‌شوند، و بزرگان با آن پیر می‌گردند، و بیگانگان بر آن (دین آلوده به بدعت‌ها) اسلام می‌آورند، و وقتی بدعت‌ها آشکار شدند، به آن‌ها سنت گفته شود، و هنگامی که به سنت عمل شود، (به آن) بدعت گفته شود.

از اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام روایت شده که فرمودند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَعَلَى الْعَالِمِ أَنْ يُظْهِرَ عِلْمَهُ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ سُلِبَ نُورُ الْإِيمَانِ».^{۲۲}

آن زمان که بدعت‌ها آشکار شوند، بر عالم واجب است علم خود را آشکار کند، اگر (با بدعت‌ها مبارزه) نکند نور ایمان از او گرفته خواهد شد.

پذیرفتن این که خدایی یکتا وجود دارد و او تنها وجود لایق پرستش است، کار سختی نیست. مشکل کنار گذاشتن غیراوست، اگر غیر او را، غیر او ببینیم و بدانیم. وقتی کسی. کار زشتی را مرتکب می‌شود، اگر آن اشتباه را زشت نپندارد، اصلاً اشتباهی نمی‌بیند، که بخواهد رهایش کند، و امروز ما به این بلای عظیم گرفتار آمده‌ایم. گناهان وجهه شرعی پیدا کرده‌اند و دیگر نمی‌گوییم فلان کار حرام است، باید بگوییم: حلال نیست، تا شکل حلال بودن به خود نگیرد.

غنا و موسیقی از دیدگاه قرآن کریم

آیه یکم:

«وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئَلًا»^{۲۳}

و به دنبال چیزی که حقایق آن را نمی دانی نرو، زیرا گوش و چشم و دل، همه را، بدان بازخواست کنند.

مسعد بن زیاد می گوید: نزد امام جعفر صادق علیه السلام بودم که مردی به آن حضرت عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت! من همسایگانی دارم و آنان کنیزکانی دارند که آواز می خوانند و با ابزار غنا (موسیقی) می نوازند؛ هرگاه به دستشویی می روم و آن صداها را می شنوم، ماندم را طول می دهم تا آن صداها را بیشتر بشنوم، چگونه است؟ حضرت به او فرمودند: این کار را مکن.

آن مرد گفت: به خداوند سوگند! من به سوی (مجلس) آنان نمی روم بلکه این صدایی است که با گوش خود می شنوم. امام علیه السلام فرمودند:

«لِلَّهِ أَنْتَ أَمَا سَمِعْتَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئَلًا؟»

تورا به خدا سوگند! آیا نشنیده ای که خداوند عزوجل (در قرآن) می فرماید: گوش و

چشم و دل، همه را بازخواست کنند؟.

گفت: آری؛ به خدا سوگند گوئی هرگز این آیه از کتاب خدا را نه از عجم و نه از عرب نشنیده بودم و بدرستی که دیگر چنین کاری را انجام نخواهم داد. **إِنْ شَاءَ اللَّهُ**. و از خدا طلب مغفرت می‌کنم. حضرت فرمودند:

«قُمْ فَأَعْتَسِلْ وَ سَلْ مَا بَدَا لَكَ فَإِنَّكَ كُنْتَ مُقِيمًا عَلَى أَمْرِ عَظِيمٍ مَا كَانَ أَسْوَأَ حَالِكَ لَوْ مِتَّ عَلَى ذَلِكَ إِيْحَمْدِ اللَّهِ وَ سَلَهُ التَّوْبَةَ مِنْ كُلِّ مَا يَكْرَهُ فَإِنَّهُ لَا يَكْرَهُ إِلَّا كُلَّ قَبِيحٍ وَ الْقَبِيحَ دَعَا لِأَهْلِهِ فَإِنْ لِكُلِّ أَهْلًا».^{۲۴}

برخیز و غسل کن و هرچه می‌خواهی درخواست کن، زیرا تو بر امر (و گناه) بزرگی بودی، اگر در آن حال (بدون توبه و بازگشت) از دنیا می‌رفتی (می‌مردی)؛ در حالت بسیار بدی بودی. حمد و سپاس خداوند را بگو و از او درخواست توبه کن از انجام هرکاری که خدا را خوش نیاید، چرا که خداوند جز کارهای قبیح (زشت و پلید) را ناپسند نمی‌دارد و انجام هرگونه امر زشت و پلید را برای اهلش رها کن زیرا هر چیزی اهل دارد.

آیه دوم:

«وَ اسْتَفْزِرْ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَ اجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَ رَجِلِكَ وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ وَ عَدَّهُمْ وَ مَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا».^{۲۵}

و (ای شیطان!) هرکس از آنان را که می‌توانی با صدا و ندای خود (غنا و موسیقی) دچار لغزش نما، و با سواران و پیادگان خود بر آنان بتاز، و در مال و فرزند با آنان شریک شو و به آنان وعده بده، و حال آن که شیطان جز به غرور و فریب ایشان را وعده نخواهد داد.

آیه سوم:

«وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِاعْبِينَ».

آسمان و زمین و آنچه را که میان آنهاست باز بجه نیافریده‌ایم.

آیه چهارم:

«لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُوَ لَا تَتَّخِذُنَا مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ».

(بفرض محال) اگر می خواستیم سرگرمی اتخاذ کنیم آن سرگرمی را از نزد خود می گرفتیم.

آیه پنجم:

«بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَ لَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ».^{۲۶}

بلکه ما به وسیله حق بر سر باطل می کوبیم تا آن را نابود سازد و آن باطل به نابودی کشیده می شود، و وای بر شما از آنچه توصیف می کنید.

عبد الأعلى می گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام درباره غنا سؤال کردم و گفتم: می گویند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رخصت داده اند که بگویند (ترانه ای به این مضمون را بخوانند): "ما آمديم شما را ما آمديم شما را، ما را خوش آمد بگوئيد، ما را خوش آمد بگوئيد تا شما را خوش آمد گوئيم" آن حضرت فرمودند:

«كَذَّبُوا إِنْ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: وَ مَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَ الْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِأَعْيُنٍ لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهُوَ لَا تَتَّخِذُنَا مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ وَ لَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ».

دروغ می گویند، بدرستی که خداوند می فرماید: (به ترجمه آیه توجه کنید).

سپس فرمودند:

«وَيْلٌ لِفُلَانٍ مِمَّا يَصِفُ».^{۲۷}

وای به حال فلانی از آنچه نسبت می دهد.

(مقصود حضرت کسی بود که در آن مجلس حضور نداشت و این سخن دروغ را به پیامبر صلی الله علیه و آله بسته بود).

«ذَلِكَ وَمَنْ يُعِظْ حُرْمَاتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»^{۲۸}

همچنین هرکس دست از حرام بردارد، نزد پروردگارش برای او بهتر است، و چهارپایان بر شما حلالند مگر آن‌هایی که برایتان خوانده شده، پس، از پلیدی از بت‌ها (بت پرستی) و سخن باطل و دروغ اجتناب ورزید.

ابوبصیر می‌گوید: از امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره سخن خداوند عزوجل: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» سؤال کردم، فرمود: مقصود از (قَوْلَ الزُّورِ - سخن ناروا) غنا می‌باشد.^{۲۹}

زیدشحام گوید: از امام جعفر صادق علیه‌السلام سؤال کردم درباره سخن خداوند عزوجل: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»، حضرت فرمودند: «الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشَّطْرُنْجُ وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ»^{۳۰}

مقصود از پلیدی از بت‌ها شطرنج است و مقصود از سخن ناروا، غنا می‌باشد.

از امام جعفر صادق علیه‌السلام سؤال شد از فرمایش خداوند عزوجل: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»، فرمود:

«الرِّجْسُ مِنَ الْأَوْثَانِ الشَّطْرُنْجُ وَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ ... إِيَّاكَ وَ الضَّرْبَ بِالصَّوَانِجِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَرْكُضُ مَعَكَ وَالْمَلَائِكَةُ تَنْفِرُ عَنْكَ وَمَنْ بَقِيَ فِي بَيْتِهِ طُنبُورٌ أَرْبَعِينَ صَبَاحاً فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»^{۳۱}

مقصود از پلیدی از بت‌ها (بت پرستی)، شطرنج و مقصود از سخن ناروا، غنا است ... و مبادا با آلات موسیقی بنوازی چرا که شیطان همراه با تو پایکوبی کند و فرشتگان از تو

غنا و موسیقی از دیدگاه قرآن کریم/ ۲۱

دوری کنند. و هرکس چهل روز در خانه خود طنبور (ابزار موسیقی) نگه دارد به سوی غضب خداوند بازگشته است.

برخی از اصحاب امام جعفر صادق علیه السلام از حضرت نقل می کنند که درباره فرمایش خداوند متعال: «وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»، فرموده اند:

مقصود از سخن ناروا، غنا (آوازه خوانی و نوازندگی) است.^{۳۲}

امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

«وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ، الْغِنَاءُ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ لَفِي شُغْلٍ»^{۳۳}

مراد خداوند از این که فرمود: از سخن ناروا بپرهیزید، غنا می باشد، و همانا مؤمن از انجام دادن تمامی این کارها به کار دیگر (از باطل روی گردان) است.

عبدالأعلی می گوید: از امام جعفر صادق علیه السلام در مورد فرمایش خداوند متعال «فَاجْتَنِبُوا الرَّجَسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»، پرسش نمودم، فرمود:

مقصود از پلیدی از بت ها (بت پرستی) شطرنج، و مقصود از سخن ناروا، غنا است.

عرض کردم: کلام پروردگار متعال: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ» فرمود:

از جمله آن (سخنان بیهوده) غنا است.^{۳۴}

برخی اصحاب از امام جعفر صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال: «فَاجْتَنِبُوا الرَّجَسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»، نقل کرده اند که فرمود:

مقصود از پلیدی از بت ها (بت پرستی) شطرنج، و مقصود از سخن ناروا، غنا است.

شیخ صدوق می نویسد:

«وَإِيَّاكَ وَالْغِنَاءُ فَإِنَّ اللَّهَ تَوَعَّدَ عَلَيْهِ النَّارَ، وَالصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: شَرُّ الْأَصْوَاتِ الْغِنَاءُ. وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ، وَهُوَ الْغِنَاءُ. وَقَالَ: وَ

مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ، وَلَهُوَ الْحَدِيثُ فِي التَّفْسِيرِ هُوَ الْغِنَاءُ»^{۳۵}

تورا از غنا برحذر می‌دارم زیرا خداوند متعال برای انجام آن وعده آتش داده است و امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمود: پلیدترین صداها، صدای غناست و خداوند متعال فرموده است: «وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» از گفتار ناروا بپرهیزید، که همان غنا است و فرموده است: «وَمِنَ النَّاسِ...» و از میان مردم...، «وَلَهُوَ الْحَدِيثُ» در تفسیر، همان غنا است.

و ابن عباس و ابن مسعود روایت کرده‌اند در تفسیر سخن خدای تعالی: «وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» و کلام پروردگار متعال: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ» که مقصود از هردوی آن‌ها غنا می‌باشد.^{۳۶}

حضرت امام علی‌الهادی از پدران‌ش علیهم‌السلام نقل می‌فرماید که:

از امام جعفر صادق علیه‌السلام درباره کلام خداوند متعال: «فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» پرسیده شد، آن حضرت فرمود: «الرِّجْسُ» شطرنج است و «قَوْلَ الزُّورِ» غنا است.^{۳۷}

آیه هفتم:

«وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا»^{۳۸}

و آنان (بندگان و بی‌ثقی خداوند) که به دروغ شهادت نمی‌دهند و چون برناپسندی بگذرند به شتاب از آن دوری می‌جویند.

از امام جعفر صادق علیه‌السلام پیرامون کلام خداوند تعالی: «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ» سؤال شد، فرمود:

(مقصود) غنا می باشد.^{۳۹}

و در برخی کتاب ها اضافه بر غنا، مجالس لغونیز ذکر شده است.^{۴۰}

محمّد بن اَبی عَبّاد که آشکارا به خوانندگی و نوازندگی گوش می داد و آجومی خورد می گوید: از امام علی الرضا علیه السلام درباره سماع (گوش دادن به آواز و موسیقی) سؤال کردم، فرمود: اهل حجاز را نظری (رای) است و آن داخل در باطل (ناروا) است، آیا نشنیده ای که خداوند می فرماید: وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا. و چون بر ناروایی گذرکنند به شتاب از آن دور شوند؟^{۴۱}

ابوایوب خزاز می گوید: به مدینه رفتیم و نزد امام جعفر صادق علیه السلام، به ما فرمود: «کجا بار نهاده اید؟» گفتیم: نزد فلانی که دارای نوازندگان و خوانندگان است. فرمودند: «کرام باشید». به خداوند سوگند ما گمان کردیم که به ما فرمود «بفرمایید»، به سوی ایشان بازگشتیم و عرض نمودیم این که فرمودید «کرام باشید» مقصود شما را نفهمیدیم. فرمودند:

آیا نشنیده اید که خداوند می فرماید: وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا. و چون بر ناروایی گذرکنند به شتاب از آن دور شوند؟^{۴۲}

از امام جعفر صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند تعالی: «وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا» سؤال شد؛ فرمود: از جمله آن غنا و شطرنج می باشد.^{۴۳}

آیه هشتم:

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ»^{۴۴}

برخی از مردم خریدار سخنان بیهوده (غنا) هستند تا (بدینوسیله) مردم را از راه خدا گمراه کنند و قرآن را به مسخره می گیرند. آنان کسانی هستند که عذابی خوار کننده

برایشان است.

از امام محمدباقر و امام جعفر صادق و امام علی الرضا علیهما السلام روایت گردیده است که درباره این آیه فرمودند:

از جمله آن (سخنان بیهوده) غنا می باشد.^{۴۵}

از امام جعفر صادق علیه السلام در مورد این آیه سؤال شد، فرمود: امام محمدباقر علیه السلام فرمود:

«هُوَ الْغِنَاءُ وَقَدْ تَوَاعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ».

آن غنا می باشد، و همانا خداوند برای آن وعده آتش داده است.^{۴۶}

در کتاب فقه منسوب رضوی علیه السلام آمده است:

«إِعْلَمُوا أَنَّ الْغِنَاءَ مِمَّا وَعَدَ اللَّهُ عَلَيْهِ النَّارَ فِي قَوْلِهِ: وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهُوَ الْحَدِيثُ ...»^{۴۷}

بدان! غنا از گناهانی است که خداوند در کلام خود برای (انجام دادن) آن، وعده آتش داده، آن جا که فرموده است: برخی از مردم خریدار سخنان بیهوده (غنا) هستند، تا مردم را بدینوسیله از راه خدا گمراه کنند و قرآن را به سخره می گیرند. عذابی خوارکننده برای آنها است.

محمد بن مسلم می گوید: شنیدم امام محمدباقر علیه السلام می فرمودند:

غناء از گناهانی است که خداوند برای انجام آنها وعده آتش داده است، و این آیه را تلاوت فرمودند: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهُوَ الْحَدِيثُ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ»^{۴۸}

امام محمدباقر علیه السلام فرمود:

«الْغِنَاءُ مِمَّا وَعَدَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ النَّارَ»^{۴۹}

غنا و موسیقی از دیدگاه قرآن کریم/ ۲۵

همانا غنا از چیزهایی است که خداوند متعال در کلامش برای انجام دادن آن وعده آتش داده است.

و این آیه را تلاوت فرمودند: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ».

امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

غنا همان لَهْوَ الْحَدِيثِ در کلام خداوند تعالی است که فرمود: وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ.^{۵۰}

حسن بن هارون می گوید: شنیدم امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

مجلس غنا مجلسی است که خداوند تعالی به اهل آن مجلس نظر رحمت نمی اندازد و از مجالسی است که (خداوند) درباره اش فرموده است: وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ.^{۵۱}

و شاء می گوید: شنیدم امام علی الرضا علیه السلام فرمودند:

از امام جعفر صادق درباره غنا سؤال شد، حضرتش فرمود: غنا همان است که خداوند درباره اش فرمود: وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ.^{۵۲}

آیه نهم:

«وَأَقْصِدْ فِي مَسْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ».^{۵۳}

(از نصایح حضرت لقمان علیه السلام به فرزندش است که فرمود: در رفتارت (راه

رفتن) راه میانه را برگزین و صدایت را فرود آور، همانا ناخوش ترین نواها صدای خران است.

شیخ محمد بن الحسن الحرّ العاملی قدس سرّه صاحب کتاب شریف «وسائل الشیعة»، در کتاب ارزشمند خود «الإثني عشرية في الردّ على الصوفية» از جمله آیاتی که در حرمت غناء (خوانندگی و

موسیقی) ذکر می کند آیه: «إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ» می باشد و می نویسد: به روایت برخی از علماء ما منظور از این صدا غنا می باشد.

آیه دهم:

«وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ».^{۵۴}

و چون تجارتی را دیدند و یا صدای آوازی (غنا و موسیقی) را شنیدند به سوی آن رفته و توراً (ای پیامبر! در حال ایراد خطبه جمعه) ایستاده رها می کنند و از گرد تو پراکنده می شوند، بگو: آنچه نزد خداست از سرگرمی و تجارت بهتر است، و خدا بهترین روزی دهندگان است.

امام جعفر صادق علیه السلام از پدران خود نقل نموده است که فرمودند:

همچنان که پیامبر در روز جمعه ای ایستاده خطبه نماز جمعه را ایراد می فرمودند، و در آن نزدیکی بازاری بود که به نام بطحاء نامیده می شد و بنو سُلَیم در آن برده ها و شتران و گوسفندان خود را برای فروش می آوردند و در چنین اوقاتی و هنگام ازدواج خود، تنبک و تار (آلات موسیقی) می نواختند، و چون مردم می شنیدند به سوی آن ها می رفتند و پیامبر خدا را ایستاده رها می کردند، پس خداوند آن ها را به این سبب سرزنش فرمود و این آیه را فرستاد: «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ».^{۵۵}

علامه ملا محمد باقر مجلسی رحمه الله علیه می نویسد:

فرمایش خداوند متعال: «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا» مقصود از «لهو» همان طبل است و گفته شده است که مقصود از آن آلات موسیقی است، و معنای «انْفَضُّوا إِلَيْهَا» یعنی از

کنار تو پراکنده شوند و به سوی آن بروند.^{۵۶}

غنا و موسیقی از دیدگاه قرآن کریم/ ۲۷

تفسیر مجاهد و ابویوسف یعقوب بن ابی سفیان از ابن عباس در مورد کلام خداوند تعالی: «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا» نقل کرده‌اند که:

دحیه کلبی در روز جمعه‌ای از شهر شام غذا آورده بود و در محلی به نام أحجار الزیت بار انداخت، سپس برای آگاهی مردم به طبل نواخت؛ پس از شنیدن آن صداها مردم از پیرامون رسول الله صلی الله علیه و آله پراکنده شدند و تنها حضرت علی و امام حسن و امام حسین و حضرت فاطمه و سلمان و ابوذر و مقداد و ضحیب، کس دیگری نماند و رسول خدا را ایستاده بر روی منبر ترک نمودند، آن گاه حضرت فرمود:

«لَقَدْ نَظَرَ اللَّهُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِلَى مَسْجِدِي فَلَوْلَا الْفِئَةُ الَّذِينَ جَلَسُوا فِي مَسْجِدِي لَأُضْرِمَتِ الْمَدِينَةُ عَلَى أَهْلِهَا وَحُصِبُوا بِالْحِجَارَةِ كَقَوْمِ لُوطٍ».

بدرستی که خداوند در روز جمعه به مسجدم نظر فرمود و همانا اگر نبودند گروهی که در مسجد من باقی ماندند، هراینه شهر بر اهل آن آتش می گرفت و (اهل شهر) مانند قوم لوط سنگباران می شدند.

و درباره آن گروه که در مسجد ماندند این آیه نازل گردید: «رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ» مردانی که تجارت و خرید و فروش آن‌ها را از یاد خدا و ادامه نماز و دادن زکات باز نمی دارد، آنان از روزی که دل‌ها و دیده‌ها دگرگون می شوند بیم دارند»^{۵۷}.

در تفسیر علی بن ابراهیم قی قدس سره آمده است:

پیامبر صلی الله علیه و آله در روز جمعه‌ای در حال ایراد خطبه بودند؛ در آن هنگام کاروان آذوقه‌ای وارد شهر شد و جلوی آن گروهی بود که به دف و دیگر ابزار موسیقی می نواختند، مردم نمازگزار با شنیدن آن صدا، نماز را رها کردند و برای تماشای آن‌ها (از مسجد) بیرون رفتند، آن گاه خداوند تعالی این آیه را نازل فرمود: «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ

۲۸/ غنا و موسیقی از دیدگاه قرآن و عترت

لَهُوَ أَنْفَضُوا إِلَيْهَا...».^{۵۹}

نکته: برادران و خواهران ایمانی خود را برای آگاهی از آثار شوم و زیانبار موسیقی به کتاب ارزنده:
تأثیر موسیقی بر روان و اعصاب، نوشته مرحوم حسین عبداللّهی خوروش ارجاع می دهیم.

غنا و موسیقی از دیدگاه اهل بیت اطهار علیهم السلام

نهی الهی جل جلاله

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَ الدَّفَّ وَالْكُوبَةَ وَالْمَزَامِيرَ وَمَا يُلْعَبُ بِهِ»^{۶۰}

همانا خداوند دف زدن و طبل زدن و بازی با آنچه (از ابزار موسیقی) با آن بازی می شود را

حرام نموده است.

نهی نبوی صلی الله علیه وآله

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

«أَنْهَاكُمْ (أَنْتَهِی أُمَّتِی) عَنِ الزَّفَنِ وَالْمِزْمَارِ وَعَنِ الْكُوبَاتِ وَالْكِبَرَاتِ (الْكِنَارَاتِ - الْكُوبَاتِ)»^{۶۱}

شما (امت خود را) از رقصیدن و نی زدن و طبل زدن و تنبک زدن نهی می کنم.

و معلوم است که نهی خدا و رسول و امام دلالت بر حرمت می کند.

مأموریتی الهی

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بَعَثَنِي رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ وَلِأُحَقِّقَ الْمَعَارِفَ وَالْمَزَامِيرَ وَأُمُورَ الْجَاهِلِيَّةِ»^{۶۲}

۳۰/ غنا و موسیقی از دیدگاه قرآن و عترت

بدرستی که خداوند مرا رحمتی برای جهانیان، به پیامبری مبعوث فرمود و مرا برانگیخت تا آلات موسیقی و نی‌ها و امور زمان جاهلیت (کفر) را از میان ببرم.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَعَثَنِي هُدًى وَ رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ وَ أَمَرَنِي أَنْ أَمْحُو الْمَزَامِيرَ وَ الْمَعَارِفَ وَ الْأَوْتَارَ وَ الْأَوْثَانَ وَ أُمُورَ الْجَاهِلِيَّةِ... إِنَّ آلَاتِ الْمَزَامِيرِ شِرَافُهَا وَ بَيْعُهَا وَ ثَمْنُهَا وَ التِّجَارَةُ بِهَا حَرَامٌ»^{۶۳}

خداوند تعالی مرا برای هدایت و رحمت برای عالمیان به پیامبری برانگیخت، مرا امر نمود که نی‌ها و آلات موسیقی و تارها و بت‌ها و امور زمان جاهلیت (کفر) را از میان ببرم ... همانا خرید و فروش و پولی که (در این راه) داد و ستد می‌شود و تجارت با ابزار موسیقی حرام است.

نردبان فحشاء

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«الْغِنَاءُ رُقِيَّةُ الزَّانِي»^{۶۴}

غنا افسون زنا است.

توضیح: می‌بینی؟ ... شیطان با این تزویر به سوی اعمال منافی عفت فرامی‌خواند. و همان چیزی که از آن می‌ترسیدیم، جامعه را فرا خواهد گرفت و دیگر کسی پایبند به اصول اخلاق نخواهد بود. این است تابلوی راهنمای ناکجاآباد

مانند شکوفه؟! ...

امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

«الْغِنَاءُ يُنْبِتُ التَّفَاقُ فِي الْقَلْبِ، كَمَا يُنْبِتُ النَّخْلُ الطَّلَعُ»^{۶۵}

موسیقی و آوازه‌خوانی در دل دورویی می‌کارد همچنان که درخت خرما شکوفه می‌زند.

آشیانه دورویی

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«الْغِنَاءُ عُشُّ النِّفَاقِ»^{۶۶}

آوازه خوانی و موسیقی، آشیانه دورویی است.

تهی دستی

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«الْغِنَاءُ يُورِثُ النِّفَاقَ، وَيُعَقِّبُ الْفَقْرَ»^{۶۷}

آوازه خوانی و موسیقی، دورویی و تهیدستی به بار می آورد.

پست ترین مخلوق

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«مَجْلِسُ الْغِنَاءِ مَجْلِسٌ لَا يَنْظُرُ اللَّهُ (عَزَّوَجَلَّ) إِلَى أَهْلِهِ، وَالْغِنَاءُ أَحَبُّ مَا خَلَقَ اللَّهُ (تَعَالَى)، وَالْغِنَاءُ يُورِثُ النِّفَاقَ وَيُعَقِّبُ الْفَقْرَ»^{۶۸}

مجلس موسیقی و آوازه خوانی، مجلسی است که خدای تعالی بر اهل آن نظر رحمت نمی اندازد (رحمت الهی شامل حال آن ها نمی شود)؛ و موسیقی و آوازه خوانی بدترین و پلیدترین آفریده های خداوند هستند، موسیقی و آوازه خوانی دورویی و فقر به بار می آورد.

حرام محض

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الصَّنَاعَةَ الَّتِي هِيَ حَرَامٌ كُلُّهَا الَّتِي يَجِيءُ مِنْهَا الْفُسَادُ مُحَضًّا؛ نَظِيرَ الْبُرَابِطِ وَالْمَزَامِيرِ وَالشَّطْرَنْجِ وَكُلِّ مَلْهُوٍ بِهِ وَالصُّلْبَانِ وَالْأَصْنَامِ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنْ صِنَاعَاتِ الْأَشْرِيَةِ الْحَرَامِ وَمَا يَكُونُ مِنْهُ وَفِيهِ الْفُسَادُ مُحَضًّا وَلَا يَكُونُ مِنْهُ وَلَا فِيهِ شَيْءٌ مِنْ وُجُوهِ الصَّلَاحِ فَحَرَامٌ تَعْلِيمُهُ وَتَعَلُّمُهُ وَ

الْعَمَلُ بِهِ وَأَخَذُ الْأَجْرَ عَلَيْهِ وَجَمِيعُ التَّقَلُّبِ فِيهِ مِنْ جَمِيعِ وُجُوهِ الْحَرَكَاتِ كُلِّهَا».^{۶۹}
 و همانا خداوند تعالی کار و ابزاری را حرام کرده است که تمام (کاربرد و مصرف) آن حرام
 است و جز در راه فساد کاربرد ندارد؛ مانند تارسازی و نی سازی و شطرنج سازی و هر
 آلت لهو دیگری و همچنین حرام فرموده است ساختن صلیب ها و بت ها و شبیه آن ها،
 مانند نوشیدنی های حرام و آنچه که از آن و در آن جز فساد نیست و از آن و در آن چیزی
 از کاربردهای سالم نباشد. آموختن آن و آموزش دادن آن و کار کردن با آن و مزد گرفتن
 برای آن و همه کاربردهای آن و هرگونه حرکتی با آن ها حرام است.
 دقت کردید در فرمایش امام علیه السلام: «هِيَ حَرَامٌ كُلُّهَا الَّتِي يَجِيءُ مِنْهَا الْفُسَادُ
 مَحْضًا نَظِيرَ الْبُرَابِطِ وَالْمَزَامِيرِ وَ...» کاملاً دقت کنید.

آموزش کفر ...

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«لَا يَحِلُّ بَيْعُ الْغِنَاءِ وَلَا شِرَاؤُهُ، وَاسْتِمَاعُهُ نِفَاقٌ، وَتَعَلُّمُهُ كُفْرٌ».^{۷۰}
 خرید و فروش آلات موسیقی حرام است، و گوش دادن به آن دورویی، و آموختن آن کفر است.

پای کوبی شیطان ...

پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فرمودند:

«مَا رَفَعَ أَحَدٌ صَوْتَهُ بِغِنَاءٍ إِلَّا بَعَثَ اللَّهُ شَيْطَانَيْنِ عَلَى مَنْكَبَيْهِ يَضْرِبَانِ
 بِأَعْقَابِهِمَا عَلَى صَدْرِهِ حَتَّى يُمْسِكَ».^{۷۱}

هیچ کس صدای خود را به آواز خوانی بلند نمی کند مگر این که خداوند تعالی دو شیطان
 را می فرستد که بر شانه هایش بنشینند و با پاشنه هایشان به سینه او بکوبند تا هنگامی
 که از آواز خوانی بازایستد.

نفرین کبوتران

غنا و موسیقی از دیدگاه اهل بیت اطهار علیهم السلام/ ۳۳

امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره خواندن نوعی کبوتر به نام راعی فرمودند:

«تَدْعُوا عَلَى أَهْلِ الْمَعَارِفِ وَالْقِيَانِ وَالْمَزَامِيرِ وَالْعِيدَانِ».^{۷۲}

بر نوازندگان و ترانه خوانان و نی زنان و تارزان لعنت می فرستد.

ناامن و بی نور

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«بَيْتُ الْغِنَاءِ لَا تُؤْمَنُ فِيهِ الْفَجِيعَةُ وَلَا تُجَابُ فِيهِ الدَّعْوَةُ وَلَا يَدْخُلُهُ الْمَلَكُ».^{۷۳}

خانه ای که در آن آواز خوانی شده و موسیقی نواخته می شود، خانه ای است که از وقوع حوادث ناگوار این نیست، دعا در آن مستجاب نمی شود و هیچ فرشته ای وارد آن نمی شود.

غضب الهی

در کتاب فقه منسوب رضوی علیه السلام آمده است:

«نَرَوِي أَنَّهُ مَنْ أَبْقَى فِي بَيْتِهِ طُنْبُورًا أَوْ عُودًا أَوْ شَيْئًا مِنَ الْمَلَاهِي مِنَ الْمِعْزَفَةِ وَالشَّطْرَنْجِ وَأَشْبَاهِهِ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ فَإِنْ مَاتَ فِي أَرْبَعِينَ مَاتَ فَاجِرًا فَاسِقًا وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ».^{۷۴}

هرکس در خانه خود یکی از ابزارهای موسیقی و شطرنج و مانند آن ها را چهل روز نگهدارد به غضب خدا گرفتار آید، اگر در آن مدت بمیرد، فاجر (گناه کار) و فاسق مرده است و جایگاه او آتش است و چه بد جایگاهی است.

حشر نوازنده و ...

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«يُحْشَرُ صَاحِبُ الطَّنْبُورِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَهُوَ أَسْوَدُ الْوَجْهِ وَبِيَدِهِ طُنْبُورٌ مِنَ النَّارِ وَفَوْقَ رَأْسِهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ بِيَدِ كُلِّ مَلَكٍ مِقْمَعَةٌ يَضْرِبُونَ رَأْسَهُ وَوَجْهَهُ وَيُحْشَرُ صَاحِبُ الْغِنَاءِ مِنْ قَبْرِهِ أَعْمَى وَآخِرَسَ وَأَبْكَمَ وَيُحْشَرُ الزَّانِي مِثْلَ

ذَلِكَ وَصَاحِبُ الْمِزْمَارِ مِثْلُ ذَلِكَ وَصَاحِبُ الدَّفِّ مِثْلُ ذَلِكَ» ۷۵

اهل طنبور (نوازنده و شنونده و سازنده و نگهدارنده و ...) روز قیامت در حالی محشور می شوند که روسیاه هستند و طنبوری از آتش به دست دارند و هفتاد هزار فرشته از بالای سر با عمود آهنین بر سر و صورت آنها می زنند. آوازه خوان، کور و کرو گنگ از گور خود محشور می گردد و زنا کار و نوازنده فی و نوازنده دف نیز با این حالت محشور می شوند.

نشانه آخر الزمان

عبدالله بن عباس گوید: رسول الله صلی الله علیه و آله در حجة الوداع حلقه در کعبه را گرفتند، روبه مردم کردند و فرمودند:

«مَعَاشِرَ النَّاسِ! أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشْرَاطِ السَّاعَةِ؟».

ای مردم! آیا شما را به نشانه های ساعت (آخر الزمان) خبر دهم؟

گفتند: آری. فرمود:

«مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ إِضَاعَةُ الصَّلَوَاتِ، وَ... وَ تَظْهَرُ الْكُوبَةُ وَ الْقَيْنَاتُ وَ الْمَعَارِيفُ، وَ الْمَيْلُ إِلَى أَصْحَابِ الطَّنَابِيرِ وَ الدُّفُوفِ وَ الْمَزَامِيرِ وَ سَائِرِ آلَاتِ اللَّهِ، أَلَا وَ مَنْ أَعَانَ أَحَدًا مِنْهُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الدِّينَارِ وَ الدِّرْهَمِ وَ الْأَلْبِيسَةِ وَ الْأَطْعَمَةِ وَ غَيْرِهَا فَكَأَنَّمَا زَنَى مَعَ أُمِّهِ سَبْعِينَ مَرَّةً فِي جَوْفِ الْكَعْبَةِ، فَعِنْدَهَا يَلِيهِمْ أَشْرَارُ أُمَّتِي، وَ تُنْتَهَكُ الْمَحَارِمُ، وَ تُكْتَسَبُ الْمَآثِمُ، وَ تُسَلَّطُ الْأَشْرَارُ عَلَى الْأَخْيَارِ، وَ يَتَبَاهَوْنَ فِي اللَّبَاسِ، وَ يَسْتَحْسِنُونَ أَصْحَابَ الْمَلَاهِي وَ الزَّانِيَاتِ، فَيَكُونُ الْمَطْرُ قَيْظًا، وَ يَغِيظُ الْكِرَامُ غَيْظًا، وَ يَفْشُو الْكَذِبُ، وَ تَظْهَرُ الْحَاجَةُ، وَ تَفْشُو الْفَاقَةُ، فَعِنْدَهَا يَكُونُ أَقْوَامٌ يَتَعَلَّمُونَ الْقُرْآنَ لِغَيْرِ اللَّهِ فَيَتَّخِذُونَهُ مَزَامِيرَ، وَ يَكُونُ أَقْوَامٌ يَتَفَقَّهُونَ لِغَيْرِ اللَّهِ، وَ يَكْثُرُ أَوْلَادُ الرِّبَى، وَ يَتَغَوَّنَ

غنا و موسیقی از دیدگاه اهل بیت اطهار علیهم السلام/ ۳۵

بِالْقُرْآنِ، فَعَلَيْهِمْ مِنْ أُمَّتِي لَعْنَةُ اللَّهِ، وَ ... فَأُولَئِكَ يُدْعَوْنَ فِي مَلَكَوَتِ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْأَرْجَاسِ وَالْأَنْجَاسِ ...»^{۷۶}

از نشانه‌های ساعت (آخر الزمان) است: تباه نمودن نمازها و... و طبل‌ها، زنان آوازه‌خوان، ابزارهای موسیقی و میل به نوازندگان طنبور و دف و نی و سایر آلات موسیقی آشکار شود. آگاه باشید هر که آن‌ها را به دینار و درهمی (از نظر مالی) و یا پوشاک و غذایی و یا غیر از این‌ها کمک کند؛ گناهش مانند کسی است که با مادر خود در درون کعبه هفتاد مرتبه زنا نموده باشد. در آن هنگام بدترین ائمه آن‌ها را سرپرستی کنند و حرمت‌ها هتک گردد و گناهان کسب شوند، شرورترین افراد بر نیکوکاران چیره گردند، با پوشاک خود بزرگوارتر شوند و نوازندگان و اهل فساد و زنان بی‌عفت را نیکو شمارند، آن‌گاه باران (به جای رحمت) بلا خواهد بود و... و دروغ گفتن آشکار گشته، نیازمند فراوان شود و تهی‌دستی آشکار گردد، آن زمان گروه‌هایی قرآن را برای غیر خداوند بیاموزند و آن را به آواز بخوانند و گروه‌هایی علم فقه را برای غیر خداوند بیاموزند و زنازادگان زیاد شوند و قرآن را با آواز بخوانند، پس آن‌گاه از (سوی) ائمه لعنت خدا بر آنان باد و... آنان در ملکوت آسمان‌ها و زمین نجس و آلوده خوانده می‌شوند.

سخن پایانی

ای کاش همه ما معنای گناه را می‌فهمیدیم. چهار حرف بیشتر ندارد ولی چهار ستون بدن را می‌لرزاند. چه چیز بدتر از این است که خدا نگاه لطف خود را از من بگیرد؟ یا نه، من به او پشت کنم و نخواهم بپذیرم که او برای من نیکویی را می‌پسندد؟... نخواهم بینم که او مرا پاک می‌خواهد، برای خودش بدون غل و غش، تا امروز دنیا را آباد باشد و وسیله‌ای برای آباد شدن زندگی جاودانه‌ام، فراهم سازم؟!

براستی مگر زور و زر دنیا چه چیزی با خود دارد و چقدر ارزش و دوام دارد که من نخواهم

احساس در سایه لطف خدا بودن را به آن بفروشم؟ آیا اگر همه دنیا از آن ما بود، حاضر نبودیم آن را بپردازیم تا خدا از ما راضی شود؟

فقط همین را بدانیم: برای آن مرد از آن سلاله پاک، یک قدم هم برداریم کافیست. اگر هر کدام از ما یک قدم بردارد، راهی نمانده، خوب بودن سخت نیست، اما تلاش می‌خواهد و درک این که این یک قدم‌ها وظیفه‌ای است که باید از عهده آن برآییم، خود حکایتی طولانی دارد، پس به جای حرف به‌تر است به دنبال عمل برویم.

و در پایان تورا که می‌دانم قلبت از آن اوست و برای او می‌تپد به او می‌سپارم تا به من و ما بگوید: فرق نمی‌کند که نوازندگی و غنا چطور باشد، تفاوتی نیست که مثلاً برای چه و چگونه باشد. و هرگز انبیاء و ائمه علیهم‌السلام با لهو و آلات موسیقی دست‌های خود را آلوده نکرده‌اند. کافی است نگاهی به ادیان نسخ و تحریف شده و پیروان فرقه‌های گمراه و گمراه‌کننده بیندازیم و توجه کنیم که چه کسانی هستند که از این آلات استفاده می‌کنند.

خدا کند که بفهمیم، و اگر فهمیدیم به لطف او، خدا کند که وارد راه شویم، و اگر وارد راه شدیم به لطف او، خدا کند رهایش نکنیم، باز هم به لطف او

وَاٰخِرُ دَعْوَانَا اِنَّ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَلَعْنَةُ اللهِ عَلَى اَعْدَائِهِمْ اٰجَمَعِينَ

حیدر حسین التریقی الکربلائی عفی الله عن والديه و عنه آمین

جمادی الآخرة ۱۴۲۸ هـ.ق



رساله دیگری

درباره موسیقی و نوازندگی

و در کتاب المقنع ابن بابویه قتی: ص ۱۵۴ که از کتب متون احادیث است چنین آمده:

در تفسیر از اهل بیت علیهم السلام است که:

«أَنَّ الرَّجَسَ مِنَ الْأَوْثَانِ الشَّطْرَنْجِ، وَقَوْلَ الزُّورِ الْغِنَاءُ، ... وَاجْتَنِبِ الْمَلَاهِي كُلَّهَا، وَاللَّعِبَ بِالْخَوَاتِيمِ وَالْأَرْبَعَةَ عَشَرَ، فَإِنَّ الصَّادِقِينَ نَهَوُا عَنْ ذَلِكَ أَجْمَعًا».

«الرَّجَسَ مِنَ الْأَوْثَانِ» شطرنج و «قَوْلَ الزُّورِ» غنا می باشد ... و از انجام کارهای بیهوده (استعمال آلات موسیقی) بپرهیز، و از بازی کردن با خواتیم و اربعة عشر دوری کن. زیرا امامان راستگوار انجام دادن همه آنها نهی فرموده اند.

و از امام جعفر صادق علیه السلام درباره آیه: «... فَاجْتَنِبُوا الرَّجَسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ» پرسیده شد که حضرت فرمودند:

مقصود از «الرَّجَسَ مِنَ الْأَوْثَانِ» شطرنج است، و مقصود از «قَوْلَ الزُّورِ» غنا می باشد، و نرد شدیدتر از شطرنج است.

و فرمود:

«... وَ لَا يَجُوزُ اللَّعِبُ بِالْخَوَاتِيمِ وَالْأَرْبَعَةَ عَشَرَ وَكُلُّ ذَلِكَ وَأَشْبَاهُهُ قِمَارٌ حَتَّى لَعِبِ الصَّبِيَانِ بِالْجَوْزِ هُوَ الْقِمَارُ ...»^{۷۷}.

و جایز نیست بازی با خواتیم و اربعة عشر و همه آن‌ها و چیزهای دیگری که شبیه آن است قمار می‌باشد، و حتی بازی کودکان با گردو همان نیز قمار است،

و امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

«... وَأَمَّا الشَّطْرُنَجُ فَهِيَ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ، فَقَوْلُ الزُّورِ الْغِنَاءُ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ لَفِي شُغْلٍ، مَا لَهُ وَالْمَلَاهِي؟! فَإِنَّ الْمَلَاهِي تُوْرِثُ قَسَاوَةَ الْقَلْبِ، وَتُوْرِثُ النِّفَاقَ، وَ...».^{۷۸}

و اما شطرنج، همان است که خدای عزوجل در مورد آن فرموده است: از پلیدی از بت‌ها (بت پرستی) اجتناب ورزید، و از سخن ناروا دوری کنید و «سخن ناروا» غنا است، و همانا مؤمن از تمامی این کارها به کار دیگر است، مؤمن را چه به آلات هُو، (مؤمن و شطرنج بازی و مطربی؟! زیرا (استعمال) آلات هُو، قساوت قلب می‌آورد، و دورویی را به یادگار می‌نهد، و... .

حکم غنا و موسیقی چیست؟

سؤال: آیا غنا و موسیقی در اسلام حرام است؟ دلیل آن را ذکر فرمایید.

جواب - غنا بر دو قسم است: یکم از حنجره، دوّم از آلت و یا آلاتی که برای غنا و طرب بنیان‌گذاری شده‌اند، و صدایی را که از آن‌ها تولید می‌گردد موسیقی می‌گویند. برای قسمت یکم و دوّم آیات و روایاتی می‌باشد که برخی از آن‌ها را پیش‌تراورده‌ایم، و در آن روایاتی است که بر حرمت نواختن این آلات تصریح شده است، و در آن آیات و احادیث نیامده است که اگر مطرب بود حرام است و اگر مطرب نبود حلال می‌باشد، بلکه نواختن و استعمال آن‌ها به طور مطلق حرام می‌باشد، بلکه ساختن و خرید و فروش و نگهداری آن‌ها نیز حرام است، و ما در این جا برخی از آن روایات را می‌آوریم:

رساله‌ای دیگری درباره غنا و موسیقی و حکم آن / ۳۹

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنِ اللَّعِبِ بِالنَّردِ وَالشَّطرنجِ وَالْكُوبَةِ وَ
الْعُرْطَبَةِ وَهِيَ الطُّنْبُورُ وَالْعُودُ ...»^{۷۹}

رسول خدا صلی الله علیه و آله از بازی کردن با نرد و شطرنج و طبل و طنبور و سه تار و
دیگر ابزارهای موسیقی ... نهی فرمودند.

سؤال: حکمت تحریم موسیقی چیست؟

جواب: در بیان محکم قرآن کریم است که، پیامبری را که فرستاده‌ایم آن چه را که پلید و منفور و
زیانبار است بر شما از جانب ما حرام می‌کند و آن چه را که طیب و پاکیزه است حلال می‌نماید:
«... وَ يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ
عَلَيْهِمْ ...»^{۸۰}

... و بر آنان هر پلید منفوری را حرام می‌گرداند، و احکام پرزنج و مشقّی را چون زنجیر که
بر گردنشان نهاده شده از آنان برمی‌دارد

و به علم تجربی و واقع ثابت شده است که موسیقی زیان‌های جبران ناپذیری بر جسم و روح و
روان و اعصاب انسان و حیوان وارد می‌نماید، برای اطلاع مستند از برخی از آن آسیب‌های
جدّی به کتاب تأثیر موسیقی بر اعصاب و روان نوشته علی اکبر خورشید مراجعه شود. والله العالم.

- ۱- سوره (۳۴) سبأ آیه ۶۴.
- ۲- سوره (۳۰) الزوم آیه ۳۱: «فِطَرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا».
- ۳- سوره (۱۹) التوبة آیه ۱۰۵: «وَقُلْ اَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالَمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيَسْئَلُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ».
- ۴- سوره (۶) الأنعام آیه ۱۵۴: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ».
- ۵- سوره (۷) الأعراف آیه ۱۵۸.
- ۶- سوره (۸) الأنفال آیه ۳۸.
- ۷- سوره (۴) النساء آیه ۱۴: «... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ».
- سوره (۴) النساء آیه ۶۰: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا».
- سوره (۴) النساء آیه ۷۰: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا».
- سوره (۴) النساء آیه ۸۱: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا».
- سوره (۲۴) التور آیه ۵۳: «وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ».
- سوره (۳۳) الأحزاب آیه ۷۲: «... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا».
- سوره (۴۸) الفتح آیه ۸۱: «... وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّىٰ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا».

۸- سوره (۷۶) الذَّهَر (الإنسان) آیه ۴: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا».

۹- بحار الأنوار: ج ۶ ص ۲۴۹ ب ۸ و ج ۵۸ ص ۷۸: النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَا خُلِقْتُمْ لِلْفَنَاءِ بَلْ خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ، وَإِنَّمَا تُنْقَلُونَ مِنْ دَارٍ إِلَى دَارٍ». پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمودند: شما برای نابود شدن آفریده نشده‌اید، بلکه آفریده شده‌اید تا بمانید و جاودانی شوید و همانا از خانه ای (دنیا) به خانه دیگر (آخرت) منتقل می‌شوید.

و غرر الحکم: ص ۱۳۳ ح ۲۲۹۱: إِنَّمَا خُلِقْتُمْ لِلْبَقَاءِ لَا لِلْفَنَاءِ وَإِنَّكُمْ فِي دَارِ بُلْغَةٍ وَمَنْزِلِ قُلْعَةٍ.

۱۰- «أَنْتَ كَمَا أُحِبُّ فَاجْعَلْنِي كَمَا تُحِبُّ». امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: پروردگارا! تو همانطوری که من دوست دارم، مرا هم همانگونه کن که خود دوست می‌داری.
الخصال: ج ۲ ص ۴۲، روضة الواعظین: ج ۱ ص ۱۰۹، بحار الأنوار: ج ۷۴ ص ۴۰۲ ب ۱۵ و ج ۹۱ ص ۹۲ ب ۳۲.

۱۱- سوره (۶) الأنعام آیه ۴۴: «فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ».

۱۲- سوره (۱۴) ابراهيم علیه السلام آیه ۲۳: «... وَ مَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ».
۱۳- سوره (۵۱) الذَّارِيَات آیه ۵۶.

۱۴- فرازی از دعای شریف ندبه که از امام جعفر صادق و حضرت صاحب الامر علیهما السلام نقل شده است.

۱۵- الکافی: ج ۲ ص ۴۱۴ باب أدنی ما يكون به العبد مؤمناً ... ح ۱.

۱۶- کنز الفوائد: ج ۱ ص ۳۵۲، وسائل الشیعة: ج ۲۷ ص ۱۶۹ ب ۱۲ ح ۳۳۵۱۵، بحار الأنوار: ج ۲ ص ۲۶۰ ب ۳۱ ح ۱۷ و ج ۷۱ ص ۲۸ ب ۱۸ ح ۷، مستدرک الوسائل: ج ۱۲ ص ۲۱۷ ب ۱۴ ح ۲.

۱۷- الکافی: ج ۱ ص ۵۸ باب البدع والزَّأی والمقاییس ... ح ۱۹.

- ١٨- بصائر الدّرجات: ص ١٤٨ ب ١٣ ح ٧.
- ١٩- الكافي: ج ١ ص ٥٤ باب البدع و ... ح ٢، عوالى اللّآلى: ج ٤ ص ٧٠ جملة ٢ ح ٣٩، نهج الحقّ: ص ٣٧، منية المرید: ص ١٨٦، وسائل الشّیعة: ج ١٦ ص ٢٦٩ ب ٤٠ ح ٢١٥٣٨، بحار الأنوار: ج ١٠٥ ص ١٥ اجازة ٢٨.
- ٢٠- بحار الأنوار: ج ٥٤ ص ٢٣٤.
- ٢١- إرشاد القلوب: ج ١ ص ٦٩ ب ١٧.
- ٢٢- رجال الكشّی: ص ٤٩٣ ح ٩٤٦، علل الشّرائع: ج ١ ص ٢٣٥ ب ١٧١ ح ١، عیون أخبار الرضا علیه السّلام: ج ١ ص ١١٢ ب ١٠ ح ٢، الغیبة، الشّیخ الطّوسى: ص ٦٣، وسائل الشّیعة: ج ١٦ ص ٢٧١ ب ٤٠ ح ٢١٥٤٦، بحار الأنوار: ج ٤٨ ص ٢٥٢ ب ١٠.
- ٢٣- سورة (١٧) اسراء: آیه ٣٧.
- ٢٤- الكافي: ج ٦ ص ٤٣٢ باب الغناء... ح ١٠، مستدرک الوسائل: ج ١٣ ص ٢٢١ ب ٨٠ ح ١٥١٨٢- ٢ و ١٥١٨٤ - ٤.
- ٢٥- سورة (١٧) الإسراء آیه ٦٥.
- ٢٦- سورة (٢١) الأنبياء آیات ١٧ الى ١٩.
- ٢٧- الكافي: ج ٦ ص ٤٣٣ باب الغناء... ح ١٢، دعائم الإسلام: ج ٢ ص ٢٠٦ فصل ٤ ح ٧٥٣، وسائل الشّیعة: ج ١٧ ص ٣٠٧ ب ٩٩ ح ٢٢٦٠٨، مستدرک الوسائل: ج ١٣ ص ٢١٦ ب ٧٩ ح ١٥١٦٤ - ٥.
- ٢٨- سورة (٢٢) الحج آیه ٣١.
- ٢٩- الكافي: ج ٦ ص ٤٣١ باب الغناء... ح ١، وسائل الشّیعة: ج ١٧ ص ٣٠٣ ب ٩٩ ح ٢٢٦٠٢.
- ٣٠- الكافي: ج ٦ ص ٤٣٥ باب التّرد و الشّطنج... ح ٧ و ٢، وسائل الشّیعة: ج ١٧ ص ٣٠٣ ب ٩٩ ح ٢٢٥٩٥ و ص ٣٠٨ ح ٢٢٦١٩ و ص ٣١٨ ب ١٠٢ ح ٢٢٦٤٦.

- ۳۱- من لا یحضره الفقیه: ج ۴ ص ۵۸ باب حدّ شرب الخمر و... ح ۸۰۹۳.
- ۳۲- وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۳۰۳ ب ۹۹ ح ۲۲۶۰۱.
- ۳۳- مستدرک الوسائل: ج ۱۳ ص ۲۱۴، ۷۸- باب تحریم الغناء حتّی فی القرآن و... ح ۱۵۱۵۳-۱۳.
- ۳۴- دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۲۰۷ فصل ۴ ح ۷۵۷، وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۳۰۸ ب ۹۹ ح ۲۲۶۱۳ و
بحار الأنوار ج ۷۶ ص ۲۴۵ ب ۹۹- الغناء... ح ۲۰، مستدرک الوسائل: ج ۱۳ ص ۲۲۲ ب ۸۱
ح ۱۵۱۸۶-۱.
- ۳۵- مستدرک الوسائل: ج ۱۳ ص ۲۱۴ ب ۷۸ ح ۱۵۱۵۶-۱۶.
- ۳۶- عوالي اللآلی: ج ۱ ص ۲۴۴ فصل ۹ ح ۱۷۳، مستدرک الوسائل: ج ۱۳ ص ۲۱۵ ب ۷۸ ح ۱۵۱۵۸-
۱۸.
- ۳۷- بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۲۴۴ ب ۹۹ ح ۱۷.
- ۳۸- سوره (۲۵) الفرقان آیه ۷۳.
- ۳۹- الکافی: ج ۶ ص ۴۳۳ باب الغناء... ح ۱۳، وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۳۰۴ ب ۹۹ ح ۲۲۵۹۸.
- ۴۰- بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۲۴۰ ب ۹۹ ح ۳ و ۵ از تفسیر قمی: وَمِنْ النَّاسِ... قَالَ: الْغِنَاءُ وَشُرْبُ
الْخَمْرِ وَجَمِيعُ الْمُلَاهِي.
- ۴۱- وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۳۰۸ ب ۹۹ ح ۲۲۶۱۲.
- ۴۲- الکافی: ج ۶ ص ۴۳۲ باب الغناء... ح ۹، وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۳۱۶ ب ۱۰۱ ح ۲۲۶۴۲.
- ۴۳- دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۲۰۸ فصل ۴ ح ۷۶۳، مستدرک الوسائل: ج ۱۳ ص ۲۱۳ ب ۷۸
ح ۱۵۱۴۷-۷.
- ۴۴- سوره (۳۱) لقمان علیه السلام آیه ۷.
- ۴۵- وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۳۱۰ ب ۹۹ ح ۲۲۶۱۸ از تفسیر مجمع البیان.

- ٤٦- مستدرک الوسائل: ج ١٣ ص ٢١٢ ب ٧٨ ح ١٥١٤٢-٢.
- ٤٧- بحار الأنوار: ج ٧٦ ص ٢٤٦ ب ٩٩- الغناء... ح ٢٣، مستدرک الوسائل: ج ١٣ ص ٢١٣ ب ٧٨ ح ١٥١٤٩-٩.
- ٤٨- الکافي: ج ٦ ص ٤٣١ باب الغناء... ح ٤، من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٥٨ باب حدّ شرب الخمر و...، وسائل الشّيعه: ج ١٧ ص ٣٠٤ ب ٩٩ ح ٢٢٥٩٩.
- ٤٩- الکافي: ج ٦ ص ٤٣١ باب الغناء... ح ٤، وسائل الشّيعه: ج ١٧ ص ٣٠٤ ب ٩٩ ح ٢٢٥٩٩، مستدرک الوسائل: ج ١٣ ص ٢١٣ ب ٧٨ باب تحريم الغناء حتّى في القرآن ح ١٥١٤٩-٩.
- ٥٠- الکافي: ج ٦ ص ٤٣١ باب الغناء... ح ٥، وسائل الشّيعه: ج ١٧ ص ٣٠٥ ب ٩٩ ح ٢٢٦٠٠.
- ٥١- الکافي: ج ٦ ص ٤٣٣ باب الغناء... ح ١٦، وسائل الشّيعه: ج ١٧ ص ٣٠٧ ب ٩٩ ح ٢٢٦٠٩.
- ٥٢- الکافي: ج ٦ ص ٤٣٢ باب الغناء... ح ٨، وسائل الشّيعه: ج ١٧ ص ٣٠٦ ب ٩٩ باب تحريم الغناء... ح ٢٢٦٠٤.
- ٥٣- سورة (٣١) لقمان عليه السّلام آيه ٢٠.
- ٥٤- سورة (٦٢) الجمعة آيه ١٢.
- ٥٥- مستدرک الوسائل: ج ٦ ص ٢٤ ب ١٤ ح ٦٣٤٦-٣.
- ٥٦- بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ٥٩ ب ٣٧ تفسير الآيات.
- ٥٧- سورة (٢٤) التّور آيه ٣٨.
- ٥٨- بحار الأنوار: ج ٨٦ ص ١٩٥ تبين... ح ٣٩.
- ٥٩- تفسير عليّ بن ابراهيم القميّ: ج ٢ ص ٣٦٧ س ٦٢، بحار الأنوار: ج ٢٢ ص ٧٢ ب ٣٧ ح ٢٤.
- ٦٠- مستدرک الوسائل: ج ١ ص ٢١٨ ح ١٥١٧٠-١١.
- ٦١- الکافي: ج ٦ ص ٤٣١ باب الغناء... ح ٧ - عليّ بن ابراهيم، عن أبيه، عن النوفليّ، عن السكونيّ، عن أبي عبد الله عليه السّلام قال: قال رسول الله صلّى الله عليه و آله.. و دعائم

الإسلام: ج ۲ ص ۲۰۷ ح ۷۵۴، وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۳۱۴، مستدرک الوسائل: ج ۱۳ ص ۲۱۷ ح ۱۵۱۶۵-۶.

۶۲- الکافی: ج ۶ ص ۳۹۵ باب شارب الخمر... ح ۱، الأمالی، الشیخ الصدوق: ص ۴۱۷ المجلس ۶۵ ح ۱، بحار الأنوار: ج ۷۶ ص ۱۲۵ ح ۴.

۶۳- مستدرک الوسائل: ج ۱۳ ص ۲۱۹ ح ۱۵۱۷۵-۱۶.

۶۴- جامع الأخبار: ص ۱۸۰.

۶۵- دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۲۰۸ فصل ۴ ح ۷۶۱.

۶۶- الکافی: ج ۶ ص ۴۳۱ کتاب الأشربة، باب الغناء ح ۲.

و ثواب الأعمال و عقاب الأعمال: ص ۲۴۴- و بهذا الإسناد () عن محمد بن أحمد، عن محمد بن جعفر القمي رفعه إلى أبي عبد الله عليه السلام قال: الْغِنَاءُ عُشُّ النَّفَاقِ، وَ شُرْبُ الْخَمْرِ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ، وَ شَارِبُ الْخَمْرِ مُكَذِّبٌ بِكِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ لَوْ صَدَّقَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَاجْتَنَبَ مُحَارِمَهُ.

و علل الشرائع: ج ۲ ص ۴۷۶ ب ۲۴۴ ح ۳- حدّثنا محمد بن الحسن رحمه الله قال: حدّثنا محمد بن الحسن الصّفّار رحمه الله، عن يعقوب بن يزيد، عن إبراهيم، عن أبي يوسف، عن أبي بكر الحضرمي عن أحدهما (عليهما السلام) قال: الْغِنَاءُ عُشُّ النَّفَاقِ، وَ الشُّرْبُ مِفْتَاحُ كُلِّ شَرٍّ، وَ مُدْمِنُ الْخَمْرِ كَعَابِدِ الْوَثَنِ، مَكْذُوبٌ بِكِتَابِ اللَّهِ، لَوْ صَدَّقَ كِتَابُ اللَّهِ لَحَرَّمَ حَرَامَ اللَّهِ.

۶۷- الخصال: ج ۱ ص ۲۴ ح ۸۴.

۶۸- دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۲۰۷ فصل ۴ ح ۷۵۶.

۶۹- وسائل الشیعة: ج ۱۷ ص ۸۳ ح ۲۲۰۴۷.

۷۰- دعائم الإسلام: ج ۲ ص ۲۰۹ فصل ۴ ح ۷۶۷.

۷۱- جامع الأخبار: ص ۱۵۴.

۷۲- وسائل الشیعة: ج ۲۱ ص ۴۴۳ ح ۲۷۵۳۶.

٧٣- الكافي ج: ٦ ص ٤٣٣ ح ١٥، دعائم الاسلام: ج ٢ ص ٢٠٨ فصل ٤ ح ٧٦٢: بَيِّتُ الْغِنَاءِ بَيَّتْ لَا تُؤْمِنُ فِيهِ الْفَجِيعَةُ، وَلَا تُجَابُ فِيهِ الدَّعْوَةُ، وَلَا تَدْخُلُهُ الْمَلَائِكَةُ، وسائل الشيعة: ج ١٧ ص ٣٠٣ ب ٩٩ ح ٢٢٥٩٤، مستدرک الوسائل: ج ١٣ ص ٢١٣ ب ٧٨ ح ١٥١٤٦- ٦.

٧٤- فقه الرضا عليه السلام: ص ٢٨٢ ب ٤٥.

٧٥- جامع الأخبار: ص ١٥٤ فصل ١١٥ وقال رسول الله صلى الله عليه وآله:.. از او: بحار الأنوار ج ٧٦ ص ٢٥٣ ح ١٢ و مستدرک الوسائل: ج ١٣ ص ٢١٥ ح ١٥١٧٦- ١٧.

٧٦- مستدرک الوسائل: ج ١١ ص ٣٧٢ ح ١٣٢٩٤- ١١ - أبو محمد الفضل بن شاذان في كتاب الغيبة، حدّثنا عبد الرحمن بن أبي نجران رضي الله عنه قال: حدّثنا عاصم بن حميد قال: حدّثنا أبو حمزة الثماليّ، عن سعيد بن جبیر، عن عبد الله بن العباس قال:.. وكفاية المهتدي في معرفة المهديّ عليه السلام: ص ٦٩٣ قال الشيخ السعيد أبو محمد بن شاذان عليه الرحمة والرضوان: حدّثنا عبد الرحمن بن أبي نجران رضي الله عنه

تفسير القميّ: ج ٢ ص ٣٠٣ فاتّه حدّثني أبي، عن سليمان بن مسلم الخشاب، عن عبد الله بن جريح المكيّ، عن عطاء بن أبي رباح، عن عبد الله بن عباس قال: حججنا مع رسول الله صلى الله عليه وآله حجة الوداع فأخذ بملقة باب الكعبة ثمّ أقبل علينا بوجهه فقال: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشْرَاطِ السَّاعَةِ؟ وَكَانَ أَذْنَى النَّاسِ مِنْهُ يَوْمَئِذٍ سَلَمَانُ رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ، فَقَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ! فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «... يَا سَلْمَانُ! ذَاكَ إِذَا انْتَهَكْتَ الْمَحَارِمَ، وَاکْتَسَبْتَ الْمَأْتِمَ، وَتَسَلَّطَ الْأَشْرَارُ عَلَى الْأَخْيَارِ، وَيَفْشُو الْكَذِبُ وَتَظْهَرُ اللَّجَاجَةُ، وَتَغْشُو الْفَاقَةُ وَيَتَبَاهَوْنَ فِي اللَّبَاسِ وَيُمْطَرُونَ فِي غَيْرِ أَوَانِ الْمَطَرِ، وَيَسْتَخْسِنُونَ الْكُوبَةَ وَالْمُعَازِفَ، وَيُنْكَرُونَ الْأَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالتَّهْيِي عَنِ الْمُنْكَرِ، حَتَّى يَكُونَ الْمُؤْمِنُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ أَذَلَّ مِنَ الْأَمَةِ، وَيُظْهَرُ قُرَاؤُهُمْ وَعِبَادُهُمْ فِيمَا بَيْنَهُمُ التَّلَاوُمَ، فَأُولَئِكَ يُدْعَوْنَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ الْأَرْجَاسِ وَالْأَنْجَاسِ ...».

٧٧- فقه الرضا عليه السلام: ص ٢٨٤ ح ٤، و من لا يحضره الفقيه: ج ٤ ص ٥٨ باب حدّ شرب

الخمر ح ۵۰۹۳.

۷۸- الأصول الستة عشر (دار الحديث): ص ۱۹۹ کتاب زید النرسی: زید، عن أبي عبد الله عليه السلام، قال: سأله بعض أصحابنا عن طلب الصيد، وقال له: إني رجل أهو بطلب الصيد و ضرب الصوالج و أهو بلعب الشطرنج قال: فقال أبو عبد الله عليه السلام: أَمَا الصَّيْدُ فَإِنَّهُ سَعْيٌ بَاطِلٌ، وَإِنَّمَا أَحَلَّ اللَّهُ الصَّيْدَ لِمَنْ اضْطُرَّ إِلَى الصَّيْدِ، فَلَيْسَ الْمُضْطَرُّ إِلَى طَلَبِهِ سَعْيُهُ فِيهِ بَاطِلٌ، وَ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّقْصِيرُ فِي الصَّلَاةِ وَ الصَّيَامِ جَمِيعاً إِذَا كَانَ مُضْطَرّاً إِلَى أَكْلِهِ، وَإِنْ كَانَ يَمْنُ يَطْلُبُهُ لِلتِّجَارَةِ وَ لَيْسَتْ لَهُ حِرْفَةٌ إِلَّا مِنْ طَلَبِ الصَّيْدِ فَإِنَّ سَعْيَهُ حَقٌّ وَ عَلَيْهِ التَّمَامُ فِي الصَّلَاةِ وَ الصَّيَامِ؛ لِأَنَّ ذَلِكَ تِجَارَتُهُ، فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ صَاحِبِ الدَّوْرِ الَّذِي يَدُورُ فِي الْأَسْوَاقِ فِي طَلَبِ التِّجَارَةِ، أَوْ كَالْمُكَارِي وَ الْمَلَّاحِ، وَ مَنْ طَلَبَهُ لَاهِيّاً وَ أَشْراً وَ بَطْراً، فَإِنَّ سَعْيَهُ ذَلِكَ سَعْيٌ بَاطِلٌ وَ سَفَرٌ بَاطِلٌ، وَ عَلَيْهِ التَّمَامُ فِي الصَّلَاةِ وَ الصَّيَامِ، وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيُ شُغِلُ عَنْ ذَلِكَ، شَغْلُهُ طَلَبُ الْآخِرَةِ عَنِ الْمَلَاهِي. وَ أَمَا الشَّطْرَنْجُ فَهُوَ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَ اجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ الْغِنَاءِ، وَ إِنَّ الْمُؤْمِنَ عَنْ جَمِيعِ ذَلِكَ لَيُ شُغِلُ، مَا لَهُ وَ لِلْمَلَاهِي؟ فَإِنَّ الْمَلَاهِي تَوَرُّثُ قَسَاوَةِ الْقَلْبِ وَ تَوَرُّثُ التَّفَاقُ. وَ أَمَا ضَرْبُكَ بِالصَّوَالِجِ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ مَعَكَ يَرُكِّضُ وَ الْمَلَائِكَةُ تَنْفِرُ عَنْكَ، وَ إِنْ أَصَابَكَ شَيْءٌ، لَمْ تُوجَرْ، وَ مَنْ عَثَرَهُ دَابَّتُهُ فَهَاتِ، دَخَلَ النَّارَ أَوْ: بحار الأنوار ج ۷۳ ص ۳۵۶ ب ۶۷ ح ۲۲ ومستدرک الوسائل: ج ۱۳ ص ۲۲۲ ب ۸۱ ح ۱۵۱۸۸/۳.

۷۹- من لا يحضره الفقيه: ج ۴ ص ۳ ح ۴۹۶۸ - قال أبو جعفر محمد بن الحسين بن موسى بن بابويه القميّ الفقيه نزيل الرّيّ مصتّف هذا الكتاب رضي الله عنه و أرضاه: روي عن شعيب بن واقد، عن الحسين بن زيد، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه، عن أمير المؤمنين عليّ بن أبي طالب عليهم السلام قال: . و الأمالي، الشيخ الصدوق: ص ۴۲۴ مجلس ۶۶ ح ۱ حدثنا حمزة بن محمد بن أحمد بن جعفر بن محمد بن زيد بن عليّ بن الحسين بن عليّ بن أبي طالب عليهم السلام قال: حدّثني أبو عبد الله عبد العزيز بن محمد بن عيسى الأبهريّ قال: حدّثنا

أبو عبد الله محمد بن زكريّا الجوهريّ الغلابيّ البصريّ قال: حدّثنا شعيب بن واقد قال: حدّثنا الحسين بن زيد، عن الصادق جعفر بن محمد، عن أبيه، عن آبائه، عن أمير المؤمنين عليهم السلام قال:.. از او: مكارم الأخلاق: ص ٤٢٥ و مجموعه ورام: ج ٢ ص ٢٥٧.

٨٠ - سورة (٧) الأعراف آیه ١٥٨: «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».

کتاب نامه

القرآن الكريم، كلام الله سبحانه وتعالى.

الف

الإثني عشرية في الردّ على الصوفيّة = نقدى جامع برتصوّف: المحدث الجليل الشّيخ محمّد بن حسن الحرّ العامليّ (ت ۱۱۰۴هـ)، مترجم: عباس جلالى، انتشارات انصاريان - قم، چاپ اول ۱۴۲۵هـ.

إرشاد القلوب: حسن بن أبى الحسن محمّد الدّيلمى (از علمای قرن ۸)، نشر الرّضی - قم، چاپ دوم ۱۴۰۹هـ.

و دارالأسوة، تهران، ۱۴۱۷هـ.

الأمالى: الشّيخ الصّدوق محمّد بن عليّ بن الحسين بن بابويه القميّ (ت ۳۸۱هـ)، مكتبة الإسلاميّة، ۱۳۶۲ش.

ب

بحار الأنوار: العلامة محمّد باقر المجلسيّ (ت ۱۱۱۱هـ)، دار الكتب الإسلاميّة تهران، چاپ چهارم ۱۳۶۲ش.

و مؤسّسة الوفاء - بيروت، ۱۴۰۳.

بصائر الدّرجات الكبرى: محمّد بن الحسن الصّقّار (ت ۲۹۰هـ)، انتشارات كتابخانه آية الله مرعشى نجفى، چاپ ۲.

ت

تفسير القميّ: عليّ بن ابراهيم القميّ (ت ۳۲۹هـ)، مؤسّسه دارالكتاب - قم، چاپ سوم ۱۴۰۴هـ.

تهذيب الأحكام: شيخ الطّائفة الحقّة محمّد بن الحسن الطّوسيّ (ت ۴۶۰هـ)، دارالكتب

الإسلامية - تهران چاپ چهارم.

ث

ثواب الأعمال وعقاب الأعمال: الشيخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه القمي (ت ۳۸۱هـ)، نشر رضی ۱۳۶۴ش.

ج

جامع الأخبار: محمد بن محمد السبزواري (قرن ۷)، مؤسسة آل البيت عليهم السلام قم.

خ

الخصال: الشيخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه (ت ۳۸۱هـ)، جامعه مدرّسين حوزة علمیه - قم.

د

دعائم الإسلام: نعمان بن محمد التميمي المغربي (ت ۳۶۳هـ)، دارالمعارف - مصر، چاپ دوم ۱۳۸۵هـ.

ع

علل الشرائع: الشيخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه (ت ۳۸۱هـ)، المطبعة الحيدريّة - النجف الأشرف، ۱۳۸۶هـ.

عوالي اللآلي العزيزية في الأحاديث الدينية: ابن أبي جمهور الأحسائي (ت ۸۸۰هـ)، تحقيق مجتبى عراقی، نشر سيّد الشهداء - قم، چاپ اول ۱۴۰۵هـ.

عيون أخبار الرضا عليه السلام: الشيخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه (ت ۳۸۱هـ)، نشر مؤسسة الأعلمي - بيروت.

غ

غرر الحكم: عبدالواحد الأمدي التميمي (ت ۵۵۰هـ)، دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه - قم، چاپ اول ۱۳۶۶ش.

الغیبة: شیخ الطائفة الحقّة محمد بن الحسن الطوسی (ت ۴۶۰هـ)، مؤسسه المعارف الإسلامیّه - قم، چاپ اول ۱۴۱۱هـ.

ف

فقه الرضا علیه السلام: تحقیق مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، چاپ کنگره جهانی امام رضا علیه السلام.

ک

الکافي: ثقة الإسلام أبوجعفر محمد بن يعقوب بن إسحاق الكليني الرازي (ت ۳۲۹هـ)، دارالکتب الإسلامیّه - تهران، چاپ سوم ۱۳۸۸هـ.

م

المقنع: الشيخ الصدوق أبو جعفر محمد بن علي بن بابويه القمي (ت ۳۸۱هـ)، نشر مؤسسه امام هادی علیه السلام - قم.

مجمع البيان في تفسير القرآن: فضل بن الحسن بن فضل الطوسي (ت ۵۶۰هـ)، نشر مؤسسه الأعلمي - بيروت.

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل: الحاج ميرزا حسين النوري الطبرسي (ت ۱۳۲۰هـ)، مؤسسه آل البيت علیه السلام - قم، ۱۴۰۷هـ.

مکارم الأخلاق: أبونصر حسن بن الفضل الطبرسي (از علمای قرن ۶)، منشورات الشّریف الرضی، قم.

و چاپ جامعه مدرّسین قم.

من لا يحضره الفقيه: الشّیخ الصدوق محمد بن علي بن بابويه القمي (ت ۳۸۱هـ)، نشر جامعه مدرّسین حوزه علمیه - قم، چاپ دوم ۱۴۰۴هـ.

منية المريد في آداب المفيد و المستفيد: الشّهد الثاني زين الدّین بن علي بن أحمد العاملي

الشَّامِي (ت ۹۶۵هـ)، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه عملیه - قم، چاپ اول ۱۴۰۹هـ.

ن

نهج الحق و كشف الصدق: العلامة حسن بن يوسف بن علي بن مطهر الحلي (ت ۷۲۹هـ)، چاپ ۴، دارالهجرة - قم.

و

وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة: الشيخ محمد بن الحسن الحر العاملي (ت ۱۱۰۴هـ)، تحقيق مؤسسه آل البيت عليهم السلام - قم، چاپ اول ۱۴۱۱هـ.

برخی از تألیفات فارسی حضرت آیت الله شیخ حیدر تربتی کربلایی مد ظله

آداب حج و عمره، اعمال و دعاهاى مستحب

از برکه غدیر تا بی کران عاشوراء

امامت اصل اصول دین محمدی صلی الله علیه وآله

امامت و رهبریّت حضرت فاطمة الزهرا سلام الله علیها

تبری و تولی اساس توحید

ترجمه زیارات ذبیح آل محمد صلی الله علیهم العاشورائیه

حجاب (نگاه، پوشش و روابط) از دیدگاه قرآن و عترت

حج در احادیث اهل بیت علیهم السلام

ربا اعلان جنگ با الله و رسولش

ریش تراشی از دیدگاه قرآن و عترت

غنا و موسیقی از دیدگاه قرآن و عترت

پاک نهاد دیرین حضرت زهیر بن القین علیه السلام (دفاعیه)

پرسش و پاسخ جلد ۱ پرتوی حق (پاسخ شیعه به شبهات وارد شده از جانب وهابیان)

پرسش و پاسخ جلد ۲ (جبر و عصمت انبیاء، علم و عصمت اهل بیت علیهم السلام)

پرسش و پاسخ جلد ۳ فضل طینت نور (در عزاداری)

پژوهش و واکاوی منابع، سند و اعتبار حدیث شریف کساء یمانی (دفاعیه)

پژوهش و واکاوی منابع، سند و اعتبار دعای صنمی قریش (دفاعیه)

پژوهش و واکاوی منابع، سند و اعتبار زیارت جامعه کبیره (دفاعیه)

پژوهش و واکاوی منابع، سند و اعتبار زیارت عاشوراء معروفه (دفاعیه)

پژوهش و واکاوی منابع، سند و اعتبار زیارت عاشوراء ناحیه مقدسه (دفاعیه)

پژوهشی نو پیرامون حدیث شریف کسای یمانی به روایت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها

حریم و حیا

حضرت حرّآزاد مرد شهید علیه السّلام (دفاعیه)

حلاج مرتدّی به دار آویخته (ردّ تصوّف و فلسفه)

حور و آتش (دفاع از حضرت فاطمه و خدیجه سلام الله علیهما)

در محضرفقیه معارفی جلد ۱ و ۲ و ۳ مجموعه ای نفیس از پاسخ به سوالات و شبهات معارفی،

قرآنی، فقهی، تاریخی، حدیثی، درایه و منبع شناسی

گزیده ای از فقه طه و آل یاسین علیهم صلوات الله (فقهی فتوائی؛ عبادات، معاملات و ...)

مناسک حج و عمره (فقهی فتوائی)

یکصد و ده حدیث معارفی

و ...



فقیه، حدیث شناس، محقق و مؤلف گران مایه،
آیه الله حیدر تربتی کربلانی از شمار برترین
پژوهش گران علوم دینی می باشند،

از جمله فعالیت های خطیر ایشان در گذشته و حال،
تدریس خارج فقه و خارج معارف اهل البیت
علیهم السلام، تشکیل کلاس های قرآن و عترت،
فقه و عقائد برای جوانان در مساجد، حسینه ها و
بیت ایشان، برگزاری جلسات پرسش و پاسخ، انجام
پژوهش های حدیثی، فقهی، عقیدتی، تفسیری،
فرقه شناسی و... بوده که اکثر اُدر راستای مبارزه با
شبهات انجام شده و هم چنان ادامه دارد.....